

امپراتوری هرج و مرج با چالش رو برو ست

مصاحبه‌ء الاهرام با سمیر امین

اشاره: این مصاحبه در اکتبر ۲۰۰۲، چند ماه پیش از تجاوز ایالات متحده به عراق انجام شده است. روشن بینی مؤلف در باره وقایعی که بعداً اتفاق افتاد در این متن آشکار است. با تشکر از دوست محترمی که این متن را ترجمه کرده و برای ما فرستاده است. اندیشه و پیکار

چه کسی می تواند اوضاع آشفته جهان امروز را توضیح دهد؟ سمیر امین یکی از این افراد است. فاطمه فرج روزنامه نگار الاهرام، با مشهورترین مارکسیست مصر مصاحبه کرده است.

در حالی که جهان خود را برای تهاجم قریب الوقوع نظامی آمریکا به عراق آماده می کند، مثالواره (پارادایگم) «برخورد تمدن ها» همچنان حاکم و متداول است. چه ساموئل هانتینگتون و چه گفتمان مسلط اسلام گرایان، هر دو بیانگر کشاکش اجتناب ناپذیر بین اعراب و مسلمانان از يك سو و غرب از سوی دیگر اند. ۱۱ سپتامبر، اشغال بیرحمانه فلسطین و ایجاد اختناق در آن توسط اسرائیل، اوضاع آشفته افغانستان که دامنه اش به آسیای جنوبی و شرقی گسترش یافته است، ویرانگری مستمر در عراق و نابودی موعود آن، برآمد اسلام سیاسی، مسیحیت بنیادگرای دست راستی، همه نقش خود را ایفا می کنند. استاد سمیر امین به تفصیل شرح می دهد که چرا و چطور همه این حرف ها یابو است. وی معتقد است که اوضاع کنونی جهانی را نه فرهنگ، نه هویت ملی و نه دین، بلکه امپریالیسم، توسعه سرمایه داری، توسعه نیافتگی و نهایتاً مبارزه طبقاتی دامن می زند.

در کنار شخصیت های همتا و مشهور دیگری چون امانول والرشتاین، جیووانی آریگی، گوندر فرانک و دیگران، سمیر امین از پایه گذاران مکتب فکری «سیستم های جهانی» به شمار می رود؛ مکتبی که در اواخر دهه ۱۹۶۰ و طی دهه ۱۹۷۰ نه تنها در محافل دانشگاهی نفوذ بسیار زیادی داشت، بلکه همچنین به مثابه چارچوب راهنمای فعالیت های چپ شناخته می شد که در آن زمان در دانشگاه ها فراگیر بود. از نظر آن ها سیستم جهانی همانا چارچوب اساسی تحلیل مسایل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هر جامعه را تشکیل می دهد.

سمیر امین از نویسندگان و متفکرین برجسته ای ست که عمده آثار خود را در طول حیات فکری اش، بر تئوریزه کردن حرکت رو به افزایش قطبی شدن بین جهان توسعه یافته و جهان در حال توسعه متمرکز کرده است و به خاطر شهرت جهانی اش از افراد نادر مصر به شمار می رود.

او که در پورت سعید به دنیا آمده است متعلق به آن نسل از متفکران و نویسندگان مصری ست که تحصیلات دانشگاهی خود را در پاریس گذرانده اند مانند انور عبد الملك و اسماعیل صبری عبدالله. وی در سال ۱۹۶۰، پس از آنکه عبدالناصر به سرکوب جنبش کمونیستی دست زد از مصر جلای وطن کرده در تبعید به سر می برد و تنها پس از ۱۹۸۲ گهگاه از کشور خود دیدن کرده است.

بدین ترتیب، ما به دیدن مردی رفتیم که در آثارش از جمله این عنوان ها به چشم می خورد: *مصر دوران ناصر* (۱۹۶۱)، *انباشت در مقیاس جهانی* (۱۹۷۰) که مشهورترین کتاب اوست، *توسعه نابرابر* (۱۹۷۳)، *قطع ارتباط: به سوی جهانی چندمرکزی* (۱۹۸۲)، *توسعه ناقص* (۱۹۹۰)، *بحران های جامعه عرب* (۱۹۸۵). از جمله مسؤولیت هایی که داشته یکی مدیریت فوروم جهان سوم است و دیگری مدیریت انستیتوی آفریقایی برای توسعه و برنامه ریزی اقتصادی.

با اندامی لاغر و موی سفید نرم و بلندی که به پشت شانه شده است، سمیر امین پاکت سیگار گولواز خود را بیرون می آورد در حالی که همسر فرانسوی اش مشغول تهیه قهوه می شود. امین می گوید: «من کاملاً مخالف هانتینگتون و بنیادگرایان مذهبی هستم. من اصلاً به جنگ بین تمدن ها باور ندارم. جنگ هایی که در چهار - پنج قرن گذشته رخ داده نه **جنگ تمدن ها**، بلکه **جنگ درون تمدن ها** بوده است. وی اضافه می کند که «جنگ های استعماری در حاشیه بوده اند».

پس، پرداختن به وقایع آشفته جهان امروز را از کجا شروع کنیم؟ با نظر به گذشته تاریخی، امین توضیح می دهد که «با جنگ جهانی دوم به نظر می رسد که قدرت های عمده جهان تحت فرمان سرکرده ای واحد یعنی ایالات متحده کاملاً وحدت یافته اند. بحث این بود که آن ها موفق به تشکیل جبهه مشترکی در برابر کمونیسم شده اند، امری که معقول و موجه به نظر می رسید. اما پس از جنگ، ایالات متحده از نظر قدرت وزن بسیار بیش از حدی یافت. تولید صنعتی آمریکا در سال ۱۹۴۵ به میزان ۵۰ درصد تولید صنعتی جهان بود که به این کشور، درمقایسه با دیگر کشورهای جهان، امتیاز زیادی می بخشید. همچنین آمریکایی ها انحصار سلاح های هسته ای را در دست داشتند و آن را به کار بردند (برخلاف صدام حسین که اگر هم دارای این سلاح ها باشد از آن ها استفاده نکرده است).

اما این امتیاز، به مرور زمان، با پیشرفت غول آسای اروپا و ژاپن در اواسط دهه ۱۹۶۰ از میان رفت و بنابر این، مسأله رقابت یک بار دیگر پیش آمد. نخستین بحران های سرمایه داری در سطح فرهنگی، سیاسی در سال ۱۹۶۸ به منصفه ظهور رسید. اولین ضربه زمانی به اقتصاد وارد شد که در سال ۱۹۷۱ ارتباط بین دلار آمریکایی و طلا کنار گذارده شد. وقتی به نوشته های آن دوره باز می گردیم ملاحظه می کنیم که انحطاط ایالات متحده در این زمان رخ می دهد.

ناگهان در دهه های ۱۹۸۰ و ۹۰، شاهد بازگشت ایالات متحده به شیوه ای متکبرانه و تجاوزگرانه هستیم و به نظر می رسد که محور سه گانه بین اروپا (آلمان، فرانسه و بریتانیا)، ژاپن و ایالات متحده همچنان در سطح اقتصادی و جغرافیایی (ژئوپلیتیک) قرین موفقیت خواهد بود. همه شان الگوهای نولیبرالی توسعه اقتصادی را می پذیرند. همگی به بانک جهانی - که من آن را وزارت تبلیغات می نامم - صندوق بین المللی پول - که من آن را مؤسسه مالی استعماری می نامم - و سازمان تجارت جهانی - که من آن را باشگاه اقتصادی چند ملیتی ها می خوانم - متکی هستند. از نخستین جنگ یوگسلاوی در آوریل ۱۹۹۸ به بعد، اروپایی ها پذیرفتند که ناتو تحت فرماندهی متکبرانه ایالات متحده باشد و ابزاری گردد برای تضمین فرمانروایی ایالات متحده در سطح جهانی.

ماهیت نظامی و تجاوزگرانه روزافزون سیستم جهانی تحت رهبری آمریکا برای سمیر امین شگفت آور نیست. وی می گوید: «فروپاشی اتحاد شوروی و چیرگی سرمایه داری در سطح جهانی گفتمان جدیدی را مطرح کرد و آن اینکه دموکراسی مساوی ست با بازار». به نظر سمیر امین، این یاوه ای بیش نیست و هیچ ربطی با درس های تاریخی یا تحلیل های علمی وقایع ندارد. وی ادامه می دهد: «جای تعجب نیست که پیروزی سرمایه داری نه به صلح، بلکه به جنگ های بیشتر و پسرقت دموکراسی انجامید. هم اکنون حتی در خود ایالات متحده شاهد کم کارتیسیم جدیدی هستیم».

سمیر امین با اشاره به یکی از آثارش که در سال ۱۹۹۱ تحت عنوان *امپراتوری هرج و مرج* منتشر شده و مطالب آن حتی پیش از فروپاشی اتحاد شوروی آماده شده بوده می گوید: «نظر من در آن کتاب این است که در طول سالیان متمادی گسترش جهانی سرمایه داری، امپریالیسم همواره **جزئی** از ترکیب توسعه سرمایه داری بوده است و نه آن طور که لنین می گوید **مرحله ای** از آن. در عوض، خصوصیات هر مرحله امپریالیسم تغییر یافته، روند قطبی شدن هرچه بیشتر شده و اشکال مختلفی به خود گرفته است مانند **جنگ سرد** و **شمال در برابر جنوب**. سرانجام آنچه اساسی ست شکاف فزاینده بین مرکز و کشورهای پیرامونی ست.

آنچه در رابطه با این مرحله تازگی دارد، از نظر سمیر امین این است که این مرحله را نه در پیشرفت های انقلابی

تکنولوژیک و ارتباطات که روی آن تبلیغات زیادی شده است می توان خلاصه کرد و نه حتی در مدیریت جمعی اقتصاد جهانی. «این گفتگویی است که از آن چنین استنتاج می کنند که دیگر دولت ملی قدرت و مشروعیتی ندارد و ایده های مربوط به نیاز ما به رشد جامعه مدنی، سازمان های غیر دولتی و غیره نیز دیگر معتبر نیست. تمامی این ها فقط جوانبی از موضوع هستند. اشکال در این است که این جوانب و مظاهر چنان در کنار هم گذاشته می شوند که پرسش اصلی، یعنی اینکه کلیت این سیستم چگونه کار می کند فراموش می گردد.»

اکنون ببینیم مسأله چیست. بحث من این است که درجه بالاتری از تمرکز سرمایه وجود دارد و شرکت های فراملیتی دیگر قادر به توسعه در درون یک بازار نیستند - حتی اگر بازاری بزرگ چون ایالات متحده و یا اروپا باشد. «آن ها اکنون به یک بازار جهانی نیازمند اند. پیش از این، درون الیگارشی ها یا انحصارات اساساً حیطه های نفوذ ملی وجود داشت که حیطه های استعماری بودند یا نیمه استعماری. اما این دیگر امروز برای رقابت و تولید سود کافی نیست.»

اینجا است که سلطه جویی ایالات متحده مطرح می شود. «سیستم جهانی بر پایه یک کشمکش فزاینده بین یک مرکز واحد و بقیه دنیا استوار است که این خود از رشد یک تضاد حکایت می کند - بگوئیم یک امپریالیسم نوین. بخش وسیعی از کشورهای پیرامونی، مثلاً بیشتر کشورهای آمریکای لاتین یا به عرصه صنعتی شدن گذاشته اند و بنا بر این، کشمکش متمرکز بر این است که کنترل در دست چه نیرویی قرار دارد امری که لزوماً به مالکیت مربوط نیست. پیام این است: شما یا همکاری می کنید یا ممکن است بمباران شوید. این سیستمی است که بنا به تعریف، نه به سمت خلع سلاح شدن، بلکه به سوی مخالف آن، گام بر می دارد. لذا، این سیستم به منظور حفظ نظم جهانی به قدرت نظامی نیاز دارد و برتری واقعی ایالات متحده بر شرکایش درست در قدرت نظامی است.»

سمیر امین اعتقاد راسخ دارد که ماهیت تجاوزگرانه و نظامی امپریالیسم به رهبری ایالات متحده در واقع، تابع ضعف نسبی اقتصادی ایالات متحده در درون مرکز می باشد.

«غالباً گفته می شود که ایالات متحده به ظهور مجدد معجزه آسیای در تمامی زمینه ها نائل شده است. این پندار کاملاً نادرست است. «معجزه اقتصادی» ایالات متحده در دهه ۱۹۹۰ یاوه ای بیش نیست. اگرچه بخش مالی ایالات متحده با رشد همراه بوده است، اما در بخش های خدمات، تجارت و اجتماعی میزان رشد از اروپا بهتر نبوده و کسری موازنه بازرگانی به نحوی فزاینده در حرکت بوده است. استدلال سمیر امین این است که اقتصاد ایالات متحده وضعیت نامساعدی دارد و به همین دلیل است که استفاده از قدرت نظامی برای انتقال منابع به ایالات متحده ضروری می باشد. خب، چه کسی هزینه تجاوز نظامی ایالات متحده را خواهد پرداخت؟ - کشورهای ثروتمند و فقیر جهان، حتی بوروندی. بنا بر این، در واقع، ایالات متحده از امکانات عظیم نظامی خود جهت تأمین کسر بودجه و پوشاندن انحطاط خود استفاده می کند. گزینش راه حل نظامی نه منتج از قدرت، بلکه عاملی جهت توازن و جبران ضعف است.»

به نظر امین، ایالات متحده به خاطر بسیج متحدین خود و ایجاد رعب و وحشت در بقیه دنیا به عملیات نظامی دست می یازد و این است معمای جنگ با تروریسم. وقایع ۱۱ سپتامبر، به طور ساده، جمع آمد عوامی است که در خدمت به این مقصود قرار گرفته اند. «گاهی به ذهنم می زند که همه قضیه ۱۱ سپتامبر ساختگی بوده است. اینکه FBI حاضر نیست اطلاعات خود را در اختیار کمیسیون کنگره آمریکا بگذارد به نظر من خود نشانی از عدم شفافیت در این مسأله است. و بعد با در نظر گرفتن درجه حماقت امثال کسانی چون بن لادن می توان فهمید که چقدر از این اشخاص در طرح سناریوی کنترل نظامی ایالات متحده با موفقیت تمام استفاده می شود.»

بخشی از آن سناریو نیز تحت کنترل درآوردن منابع نفتی نه تنها در خاورمیانه، بلکه و شاید مهمتر از آن، آسیای مرکزی است. ایالات متحده همچنین در صدد آن است که امتیاز کنترل منابع نفتی ای را نیز که اروپا و ژاپن - رقبای او در مرکز - بدان وابسته اند به خود واگذار کند. از این طریق، آمریکا می تواند هردوی آن ها را همواره تحت فشار قرار دهد. عراق دروازه ای به سوی ایران و آسیای مرکزی است و این تصمیم استراتژیکی است که از همان اوایل دهه ۱۹۹۰ از سوی آمریکا اتخاذ شده است.

سمیر امین از بسیاری روشنفکران دنیای عرب که نمی توانند ماهیت واقعی این جنگ را دریابند مأیوس است. «آری،

آسیای مرکزی مسلمان است، اما این، جنگ با مسلمانان نیست، بلکه به خاطر سلطه اقتصادی، استخراج سود و تحصیل شرایط بهتر برای رقابت می باشد. بن لادن هدف نیست. هدف نفت آسیای مرکزی ست. هدف، کشورهای عربی نیز نیستند. تمام حرف هایی که گویا آمریکا می خواهد بازار مصر را تحت کنترل خود درآورد غیر واقعی ست» و ادامه می دهد: «سیاست هویت فرهنگی توجه مردم را از پرداختن به مسائل واقعی منحرف می کند. نباید برای همبستگی بین صفوف مسلمانان و اعراب به طور خاص فراخوان داده شود، بلکه باید بین صفوف اعراب، آفریقاییان، مردم آسیای مرکزی و غیره صورت پذیرد. به عبارت دیگر، بین مردم کشورهای پیرامونی. وگرنه سیاست های مبنی بر هویت فرهنگی تنها باری ست بر دوش افراد مستأصل، و امری کاملاً برخلاف چیزی که ما به شدت بدان نیاز داریم».

اعراب آماج این حملات اند نه به این خاطر که عرب اند، یا اینکه مسلمان اند، بلکه به خاطر آن که ضعیف اند. سمیر امین می گوید که «منطقه از کشورهای ضعیف تشکیل یافته است. وضعیت فلسطین این امر را هر روز به ما یادآوری می کند».

اما ضرورتی نیست که اوضاع چنین باشد. «اگر از من بپرسید که آیا این نظام ماندگار است جواب من قطعاً منفی خواهد بود. این شرایط بسیار ویرانگرانه است ولی این نظامی نیست که خود به خود فروپاشد و هنوز تا مدتی بعد بسیار هم مقتدر به نظر خواهد رسید. آن ها عراق را بمباران کرده و هزاران نفر را خواهند کشت. کشتار عام در فلسطین ادامه خواهد یافت. من به آینده نزدیک و قابل پیش بینی خوش بین نیستم. اما این اوضاع به کجا خواهد رسید؟ در نهایت امر، این رشته اقدامات از انحطاط درونی سیستم ایالات متحده جلوگیری نخواهد کرد».

این یک سناریوی غم افزا ست حتی اگر فقط در «کوتاه مدت» باشد. ولی سمیر امین ترجیح می دهد که با واقعیات مستقیماً رو به رو گردد. او سیگار دیگری از پاکت درآورده و اضافه می کند: «به نظر من، سیاست ایالات متحده در عراق در آینده نزدیک با شکست مواجه خواهد شد. برای حکومت بر عراق، آن ها باید اول این کشور را اشغال کنند، هرچند مردم عراق - به دلایلی بسیار واضح و مشروع - برای محافظت و دفاع از صدام حسین نخواهند جنگید. آن ها دست روی دست نگذاشته و به سلطه ایالات متحده تمکین نخواهند کرد. چه گزینه هایی درکار است؟ فرد دست نشانده ای چون کارزای که دیر یا زود به قتل خواهد رسید؟ نظام یکپارچه از هم خواهد گسست، چرا که تدابیر جاری چیزی جز امور فرعی و نقش ایوان نیستند».

سمیر امین پیش بینی می کند که مآلاً اتحادهای جدیدی تکوین خواهند یافت. به عنوان مثال، روابط نزدیک تری بین روسیه و اروپا. «سه چهارم بازرگانی روسیه با اروپا ست و اروپا بازار اصلی فروش نفت روسیه به شمار می رود. همچنین روسیه، هندوستان و چین جهت مقاومت در برابر فشار جغرافیایی (ژئوپلیتیکی) حضور ایالات متحده در آسیای مرکزی به یکدیگر نزدیک تر می شوند».

همچنین با نظر به موقعیت اروپا - که سمیر امین بین مردم و دولت های آنجا تمایز قائل می شود - توضیح می دهد که «ایالات متحده بر اساس دو ارزش بنا شده است: آزادی و مالکیت. اگر ایندو را با هم جمع کنید یک گاوچران (کابوی) به دست می آید. اروپاییان نیز به دو ارزش اعتقاد دارند: آزادی و برابری، ولی اینها با هم مغایرت دارند. بنا بر این، من فکر می کنم که بخش بزرگی از چپ اروپا حول ضدیت با آمریکا متشکل خواهد شد».

هم اکنون این روند در دو جنبش رو به اعتلای ضد جهانی شدن و ضد جنگ [با عراق] نمودار شده است، هرچند سمیر امین از القابی که به این جنبش ها داده شده خشنود نیست. «من شخصاً متصف کردن این جنبش به «ضد جهانی شدن» را - که متأسفانه از آن جهت که کوتاه و خوش آیند است مرسوم شده - نمی پسندم. این در واقع، لقب خطرناکی ست. ما ضد جهانی شدن نیستیم، بلکه مخالف روند جاری جهانی شدن هستیم. بالاخره ما، هم از نظر فرهنگی و هم از نظر سیاسی یک نگرش جهانی داریم. جهانی شدن قدمتی به اندازه قدمت نوع بشر دارد. ما با جهانی شدن به شکل نوسرمایه دارانه سیطره جوانانه نظامی مخالف ایم».

سمیر امین از سال ۱۹۹۸ به شدت درگیر این جنبش بوده است یعنی از زمانی که این جنبش به مناسبت اجلاس سالانه فوروم اقتصاد جهانی در شهر داووس (Davos) در سویس و در تقابل با آن تکوین یافت.

«در آن زمان ما این حقیقت را بیان کردیم که ما نمایندگان جهان واقعی هستیم. ما مخالف جهانی شدن سرمایه دارانه لیبرالی هستیم. ما مخالف نظامی گری هستیم. سوای این اصول، شرکت کنندگان در این جنبش، افکار مختلفی دارند که از آن جمله می توان از سوسیالیست ها و مذهبیون مترقی نام برد. باید دید که چه می شود.»

سمیر امین اذعان می کند که این جنبش «در مصر و ناحیهء خاور میانه ضعیف است. البته این ناحیه ای است که دولت هایش از دولت های سایر مناطق جهان چون هندوستان از دموکراسی بهرهء کمتری دارند. همچنین این منطقه ای است که به خاطر مسألهء فلسطین دو قطبی شده است و البته ایدئولوژی اسلام سیاسی نیز وجود دارد. مجموعهء این عوامل مانع ایجاد اتحاد می گردد ولی مسؤولیت این مهم را چپ مصر باید بر عهده گیرد.»

چپ مصر آمادگی وافری به ادای سهم خود از این مسؤولیت، چه در سطح منطقه و چه در سطح جهان دارا است. امین بر سر اعتقاد خود استوار است که «جهانی دیگر ممکن است»، حتی ضرورت آن امروزه بیش از دههء ۱۹۷۰ احساس می شود، یعنی زمانی که او به عنوان یک جوان تحصیل کرده و فعال مصری در شهرپاریس به نگاشتن تألیفات خود می پرداخت. امروز تألیفات او به بیشتر زبان های دنیا ترجمه شده و الهام دهنده و رهنمون فکری ده ها هزار انسان مبارز در سراسر گیتی است.

ترجمهء الف. پیروز

<http://weekly.ahram.org.eg/2003/621/inter.htm>">International</option>